

تقسیمات کشوری

نمونه استان خراسان

تقسیمات کشوری از اهم مسائلی است که برای انجام هر گونه برنامه ریزی در سطح کشور و یاناحیه‌ای به منظور اداره بهتر و بهره برداری بیشتر از امکانات موجود واستعدادهای آن منطقه صورت می گیرد. دولت‌ها جهت سهولت در انجام برنامه‌های عمرانی، سیاسی، اقتصادی واجتماعی وبالاخره اداره کشور، قلمرو حکومتی خود را بر حسب ویژگیهای طبیعی، قومی، تژادی تقسیم می کنند. این محدوده‌ها غالباً ثابت نیستند ودراثر عوامل متعددی مانند حوادث طبیعی، مسائل اقتصادی وامورسیاسی واجتماعی متغیرند .

يك واحد تقسیمات کشوری ممکن است دارای شکل هندسی ویایغیر هندسی باشد . اگر در ایجاد واحدهای تقسیماتی ملاك و ضابطه‌ای معین باشد شکل هندسی ویایغیر هندسی آن واحد نمی تواند مورد نظر قرار گیرد. آنگاه که در ایجاد واحدهای تقسیمات کشوری به مجموعه‌ای همگن وهمسان دست یافتیم در اجرای برنامه‌های عمرانی خود نیز موفق خواهیم بود. اعتقاد بر این است تازمانی که تقسیمات کشوری صحیحی وجود نداشته باشد هر گونه برنامه ریزی نتیجه و اثر مطلوب رانخواهد داشت. بنابراین می توان گفت تقسیمات کشوری ریشه جغرافیایی دارد .
در تقسیمات کشوری ملاك و ضابطه ممکن است اوضاع طبیعی، جمعیت ،

نوع معیشت و اقتصاد، زبان، دین، مقتضیات سیاسی، قومی، نژادی و جنبه‌های نظامی و امثال آن مورد توجه باشد بطوری که در این واحد جغرافیایی عوامل طبیعی، انسانی، اقتصادی و یا اجتماعی بصورت یکسان و یا مشابهی مشاهده گردد. در تقسیمات کشوری گذشته ایران کمتر به اصل وحدت جغرافیایی توجه شده بلکه بیشتر تقسیم‌بندیها بر اساس نظرات و پیشنهادهای فردی و یا گروهی از متنفذین، فتوحات و مسائل نظامی و مالیات‌دهی صورت می‌گرفته است.

سابقه تقسیمات کشوری در ایران به دوران داریوش اول هخامنشی و مقارن با قرن پنجم پیش از میلاد است. به قول هردوت، ایران در آن زمان به ۲۰ قسمت و به نقل از کتیبه نقش رستم به ۳۰ قسمت بر اساس ملاحظات قومی و نژادی تقسیم شده بود که یکی از آنها ایالت پارت یا خراسان می‌باشد که حدود آن از آمودریا تا هندوکش و شامل ماوراءالنهر و سیستان بوده است.^۱

در دائرةالمعارف مصاحب چنین آمده: پارت (=پرشوه) سرزمین کوهستانی قدیم جنوب شرقی دریای خزر است که از سلسله‌های البرز به طرف مشرق تا هرات ممتد و از شمال به دشت حاصلخیز «استرآباد» و صحرای ترکستان و از جنوب به کویر نمک محدود بود. سرزمین پارت مطابق ایالت تاریخی خراسان و در دوره هخامنشیان از ایالت امپراطوری هخامنشی بوده و سپس بدست سلوکیان افتاد و شاهان سلوکی شهرهایی در آن بنا کردند.^۲

معنی خراسان در دائرةالمعارف اسلامی (صفحه ۲۸۲) و معجم البلدان (صفحه ۳۵۰) سرزمین نورانی یا طالع آمده و آن را مرکب از دو کلمه خر بمعنی خورشید و آسان بمعنی شرق دانسته‌اند. در زبان فارسی قدیم

۱- بدیمی - دکتر ربیع - جغرافیای مفصل ایران - جلد دوم - چاپ اول - سال ۱۳۶۲ صفحه ۲۱۵.

۲- مدیر شانه‌چی - کاظم - حدود خراسان در طول تاریخ - نشریه دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه مشهد اسفند ۱۳۴۷ - صفحه ۱۱۴.

خراسان بمعنی خاور زمین است^۲ و به گفته لسترنج (صفحه ۴۰۸ سرزمینهای خلافت شرقی) این محدوده تقریباً استان شرقی کشور است که شامل خراسان کنونی، خوارزم، بخارا، سغد، گرگان، سیستان و دیگر ولایات شرقی است. (نقشه شماره ۱).

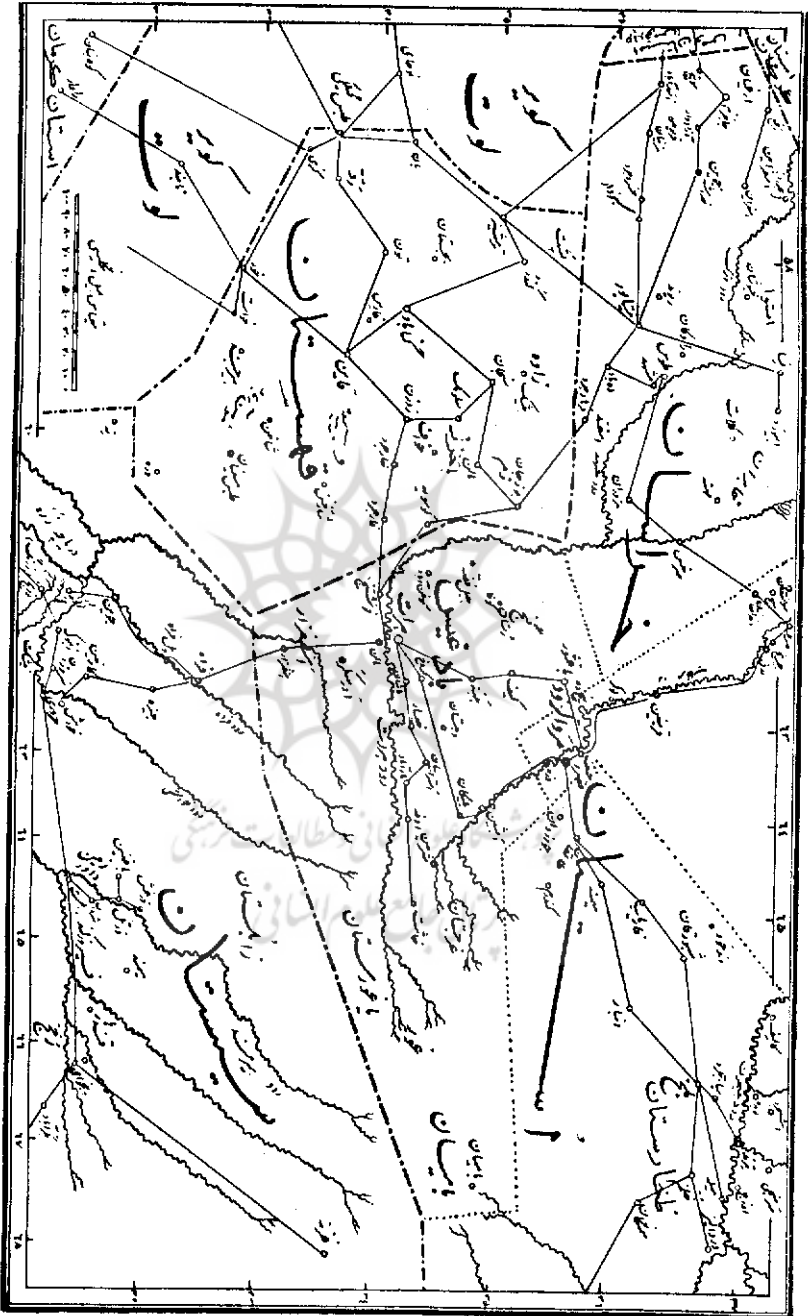
در زمان هخامنشیان ایران به کشورهای تابعه (ملوک الطوائفی) تقسیم می شد و هر کشوری تحت فرماندهی استانداری بنام خشتروپاون (پارسی باستان) یا نستریان (پهلوی) که از مرکز تعیین می گردید اداره می شد. بعداً این کلمه را یونانیان بصورت ساتراپ ضبط کرده اند. البته ساتراپ نشینها در دوران حکومتها کم و زیاد می شده است. اشکانیان در آغاز فقط بريك ساتراپ - که ظاهراً همان نسیایه باشد حکومت می کردند. سپس بر بخشهای دیگر ایران نیز دست یافتند

مرکز ایالت پارت که بعدها نام خراسان بخود گرفت در آغاز شهر نسیایه یا نساء بوده است. این شهر را یونانیان (پارتاوتیسا) می خوانند. مون گیت راجع به کشور پارت و شهر نسیایه چنین می نویسد: «در جنوب جمهوری ترکمنستان کنونی و نزدیک ریگزار قره قورم در دامنه کوه کوپت داغ و نزدیک قصبه باقر واقع در فاصله ۱۸ کیلومتری شمال غربی عشق آباد ویرانه های دوشهر باستانی نسیایه قدیم و نسیایه جدید واقع شده است»^۴.

در دوره ساسانیان و در زمان سلطنت خسرو انوشیروان ایران به چهار استان یا بخش بزرگ بنام پادوکس تقسیم شده بود که یکی از آنها بنام استان خورآسان نامیده می شد. این ایالت جزء ایران شهر و حاکم آن را سپهبد می نامیدند که چهار مرزبان در اطاعت او بودند.

۳- دهخدا - لغت نامه - خراسان (خورآسان) معنی لغوی آن مشرق است که مقابل مغرب باشد.

۴- رک: مدیر شانه چی - کاظم - حدود خراسان در طول تاریخ - اسفند ۱۳۴۷ - صفحه ۱۱۶.



نقشه شماره ۱ - استان خراسان و قهستان و قسمتی از سیستان - نقل از جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی

۱- مروشاه جهان .

۲- بلخ و تخارستان .

۳- هرات و بوشنج، بادخیز و سجستان^۵ .

۴- ماوراءالنهر^۶ .

درباره خراسان در کتاب حدودالعالم^۷ آمده «خراسان ناحیت مشرق وی هندوستانست و جنوب وی بعضی از حدود خراسانست و بعضی بیابان کرکس کوه و مغرب وی نواحی گرگان است و حدود غور و شمال رود جیحون است و این ناحیتی است بزرگ باخواسته بسیار و نعمتی فراخ و نزدیک میانه آبادانی جهان است و اندر وی معدنهای زرست و سیم و گوهرهای کی از کوه خیزد و از این ناحیت اسب خیزد و مردمان جنگی و درترکستانست و ازو جامه بسیار خیزد زروسیم و پیروزه و داروها و این ناحیتی است باهوای درست و مردمان با ترکیب قوی و تندرست و پادشای ماوراءالنهر جدا و اکنون هردو یکی است و میرخراسان ببخارا نشیند و زآل سامانست و از فرزندان بهرام چوبین و ایشانرا ملک شرق خوانند و اندر همه خراسان عمال او باشند و اندر حدهای خراسان پادشاهانند و ایشانرا ملوک اطراف خوانند» .

یاقوت خراسان را از لحاظ جغرافیایی چنین توصیف کرده است :
« خراسان بلاد وسیعی است و نخستین حد آن از حدود عراق از انوار قصبه جوین و بیهق است و آخرین حدش از حدود هند و تخارستان^۸ و

۵- دهخدا - لغت نامه - بر شیخ - نام شهر است از نواحی هرات .

بادخیز - مغرب باد غیبس ناحیه ای است نزدیک به هرات

سجستان - سگستان یا سیستان شهریست به شرق مغرب سیستان .

۶- دهخدا - لغت نامه - ماوراءالنهر سرزمینی بوده در شمال رود جیحون بین رود

جیحون و سیحون شامل بخارا، سمرقند، خجند، سروشنه و ترمذ .

۷- دهخدا - لغت نامه - حدودالعالم کتابی است مشهور که در سال ۳۷۲ هجری

تألیف شده است .

۸- دهخدا - لغت نامه - تخارستان علیا و سفلی دارد . در جانب شرقی بلخ و غربی

جیحون است .

غزنه و سجستان و کرمان می باشد. البته این نواحی جزء خراسان نیستند بلکه از اطراف حدود آن می باشند. خراسان مشتمل بر شهرهای بزرگی است که از آن جمله است نیشابور و هرات و مرو (مرو قصبه آن بوده است) و بلخ و طالقان و نسا^۹ و ایبورد^{۱۰} و سرخس و آنچه از شهرهای زیر نهر جیحون می باشد پاره ای از مردم اعمال خوارزم را از شهرهای خراسان می آوردند و حتی ماوراءالنهر را جزء آن می دانند ولی حقیقت چنین نیست» یاقوت از قول بلاذری می آورد که خراسان چهار ربع بوده بدین قرار :

ربع اول ایران شهر و آن نیشابور و قهستان و طبسان و هرات و بوشنج و بادغیس و طوس که اسم آن طابران است. ربع دوم مرو شاهجهان و سرخس و نسا و ایبورد و مروالرو و طالقان و خوارزم و آمل که هر دو شهر مزبور بر نهر قرار داشتند. ربع سوم در غرب نهر جیحون است و بین آنجا تا نهر هشت فرسخ راه است و شهرهای فاریاب^{۱۱} و جوزجان^{۱۲} و تخارستان علیا و خست^{۱۳} و اندرابه و بامیان^{۱۴} و بغلان^{۱۵} و والج^{۱۶} و رستاق بیل و بدخشان (مدخل مسافران تبت) است و از اندرابه مردمان بکابل می روند و ترمذ و آن در شرق باخ است و صغانیان و تخارستان سفلی خلم و سمنجان. ربع چهارم ماوراءالنهر بخاری و شاس (چاچ) و طرازبند و صغد و هوکش و نسف و روبستان و اشروسنه و سیام، قلعه المقنع و فرغانه و سمرقند. یاقوت می گوید این قول صحیح نیست و صحیح همانست که

۹- دهخدا - لغت نامه - نسا - شهری از خراسان بزرگ بوده و در حوالی ترکستان و افغانستان می باشد.

۱۰- دهخدا - لغت نامه - ایبورد - در جنوب شرقی عشق آباد شوروی واقع است. یکی از سرچشمه های رود آترک نزدیک ایبورد است.

۱۱- دهخدا - لغت نامه - فاریاب - ولایت یا شهری از ترکستان می باشد.

۱۲- جوزجان - از مناطق و شهرهای اطراف بلخ است.

۱۳- خست - ناحیتی بوده است از بلاد فارس نزدیک دریا.

۱۴- بامیان - نام ولایتی است در کوهستان ما بین بلخ و غزنین.

۱۵- بغلان - از بلاد تخارستان و از آنجا تا باخ شش منزل

باشد.

۱۶- والج - شهر مزاحم بن بسطام.

دراول گذشت و آنچه بلاذری آورده از مضمومات والی خراسانست^{۱۷}.
 حمدالله مستوفی درباره خراسان چنین می گوید: «درو چند شهر
 است حدودش تا به ولایات قهستان و قومس^{۱۸} و مازندران و مغازه خوارزم^{۱۹}
 پیوسته است. حقوق دیوانش در زمان سابق داخل ایران بودی در عهد
 طاهریان قریب هزار تومان بوده اما در زمان دولت مغول چون اکثر اوقات
 وزراء و کتاب دیوان اعلی خراسانی بوده اند خراسان و قومس و مازندران
 و طبرستان را مملکتی علیحده گرفته اند و حسابش جداگانه کمتر چیزی
 بر پادشاهان عرض می کرده و بدین حیل هر سال بمدد خرج لشکریان
 خراسان بیست تومان از این ولایت می ستده اند تا در عهد سلطان ابوسعید
 وزیر خواجه غیاث الدین محمد رشیدی طاب ثراه بر این حال اطلاع یافت
 دیگر وجوهی از این ولایات بدیشان نداد و بر آن بود که آن مملکت را
 اموال معین گردانیده و اخراجات مقرر و ولایات و اقطاع لشکرها و دیگر
 (مصالح) آنجایی را وضع کرده مابقی را بوجه خزانه عامره داخل
 محاسبات این ولایات گرداند زمان امانش نداد و بر آن قرار نماند^{۲۰}.
 (نقشه شماره ۲).

حدوداً تا سال ۸۰۰ هجری قمری^{۲۱} خراسان بطور کلی بر تمام ایالات
 اسلامی که در سمت شرق کویر لوت تا کوههای هندوکش واقع بودند
 اطلاق می گردید و به این ترتیب تمام بلاد ماوراءالنهر را در شمال خاوری
 به استثنای سیستان و قهستان در جنوب شامل می شد. حدود خارجی خراسان

۱۷- دهخدا - لغت نامه - خراسان - صفحه ۲۸۱ - چاپ مرداد ۱۳۳۵ هجری شمسی.

۱۸- " " قومس - نام قدیم شهرهای سمنان، دامغان و شاهرود.

۱۹- " " مغازه خوارزم - یکی از قسمتهای قدیم ترکستان مابین

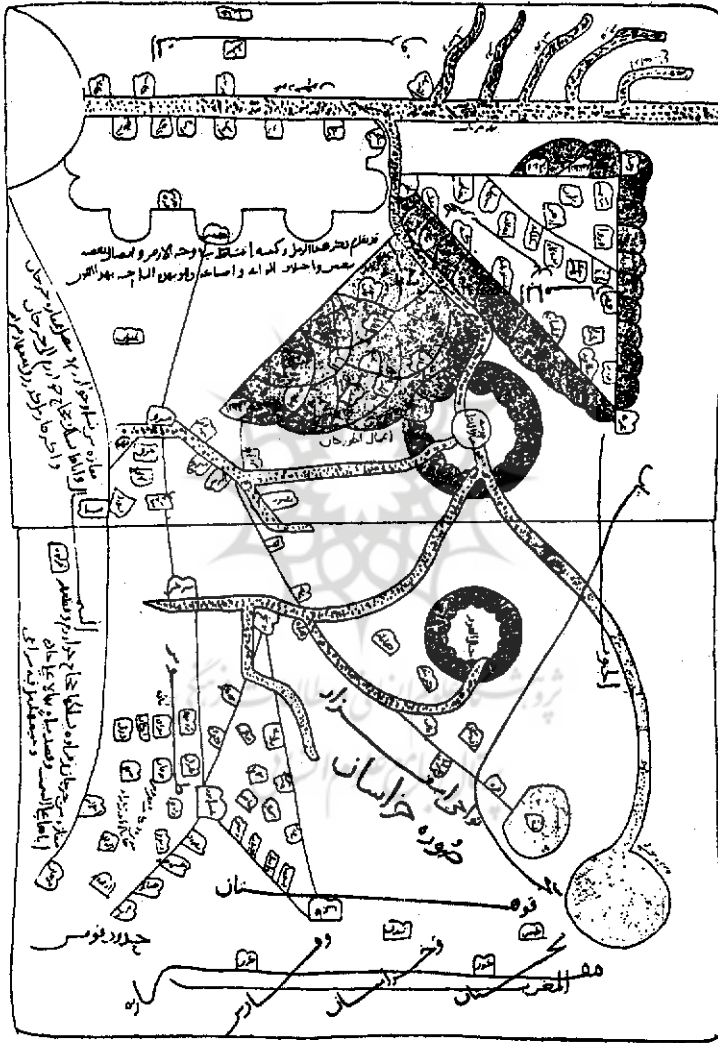
جیحون و بحر خزر و دریاچه آرال که سابقاً جزو ایران بوده و مرکز آن خیوه و یکی از
 شهرهای شوروی است.

۲۰- دهخدا - لغت نامه - خ - خالد بن سلیمان - صفحه ۳۸۱ - ترهه القلوب -

چاپ لندن - ص ۱۴۷.

۲۱- عرفان - محمود - ترجمه جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی - تألیف

لسترنج - در قرون وسطی.



نقشه شماره ۲ - خراسان (ص ۴۲۶ متن عربی صورة الارض ابن حوقل).

در آسیای مرکزی بیابان چین و پامیر و از سمت هند جبال هندوکش بود ولی بعدها این حدود دقیقتر و هم کوچکتر گردید تا آنجا که می توان گفت خراسان که یکی از ایالات ایران در آن زمان بود از سمت شمال شرقی از رود جیحون به آن طرف را شامل نمی شد ولی همچنان تمام ارتفاعات ماورای هرات را که اکنون قسمت شمال غربی افغانستان است دربرداشت. مع الوصف بلادی که در منطقه علیای رود جیحون یعنی در ناحیه پامیر واقع بودند در نزد اعراب جزء خراسان یعنی در حدود آن ایالت محسوب می شدند. در سال ۴۲ هجری ایالت خراسان توسط سرداران عرب مسخر شد. در آن زمان این ایالت به چهار قسمت یعنی چهار ربع تقسیم می گردید. هر ربعی بنام یکی از چهار شهر بزرگی که در زمانهای مختلف کرسی آن ربع یا کرسی تمام ایالت واقع گردیدند و عبارت بودند از نیشابور، مرو، هرات و بلخ.

اسطخری می نویسد: خراسان مشتمل بر ولایاتی (کور) است و خراسان نام اقلیم است که از ناحیه شرق به سجستان و هند محدود است چه آنکه ما قسمتهای متصل سجستان را به آن ناحیه و غور و دیار خلخ (در نواحی کابل) را بهند ضمیمه کردیم و از غرب به بیابان غز و نواحی گرگان و از شمال به ماوراءالنهر و بلاد ترک و از جنوب به بیابان فارس و قومس (دامغان) چه این که قومس را نیز به نواحی کوهستان دیلم و جرجان ضمیمه نمودیم و همچنین ختل را و خوارزم را از ماوراءالنهر به شمار آوردیم چه اینکه شهرهای خوارزم آن طرف جیحون است. آنگاه ولایات مهم خراسان را به ترتیب ذیل نام می برد. نیشابور، مرو، هرات، بلخ و سپس اضافه می کند که در خراسان ولایات دیگر که از ولایات چهارگانه نامبرده کوچکتر است نیز می باشد که از آنهاست: قوهستان، طوس، نساء، ابیورد، سرخس، اسفزار، بوشنج، بادغیس، گنج رستاق، مرو رود، جوزجان، عرجم، امل و اما خوارزم چون شهر مهم آن طرف جیحون است از شمار ماوراءالنهر قرار دادیم و نیشابور خود شامل کوره هائی است که

چون در اعمال دیوانی جزو آن به‌شمار می‌رود جدا یاد کردیم^{۲۲}. نقشه شماره (۳).

پس از دوران اولیه فتوحات اسلامی کرسی ایالت خراسان مرو و بلخ بود ولی در سال ۲۰۵ طاهر ذوالیمینین بر خراسان تسلط یافت و بعدها امرای طاهریان مرکز فرمانروایی خود را به ناحیه غرب بردند و نیشابور را که شهر مهمی در غربی‌ترین قسمت‌های چهارگانه بود مرکز امارت خویش قرار دادند^{۲۳}.

در سال ۲۸۳ هجری عمرو لیث صفاری خراسان را ضمیمه سیستان کرد و بعداً در سال ۲۸۷ اسماعیل سامانی آن را به ماوراءالنهر ملحق کرد. پس از آن خراسان به قلمرو حکومتی غزنویان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان، مغول و تیموریان درآمد^{۲۴}. در دوران مغول ایران شامل ۲۰ بخش گردید که خراسان نیز یکی از بخش‌های آن به حساب می‌آمد. حدود حکومتی شرق ایران در دوران صفویه خراسان بزرگ نام داشت^{۲۵}.

پس از جنگ هرات در سال ۱۲۴۹ هجری قمری خراسان به دو قسمت تجزیه شد، قسمتی که در مغرب هریرود واقع بود جزء ایران و قسمت دیگر به افغانستان ضمیمه شد و یکی از چهار ایالت ایران نام گرفت. در آن زمان ایالت خراسان در غرب هریرود واقع بود که از شمال به ماوراءالنهر و از غرب به عراق عجم^{۲۶} و استرآباد محدود می‌شد.

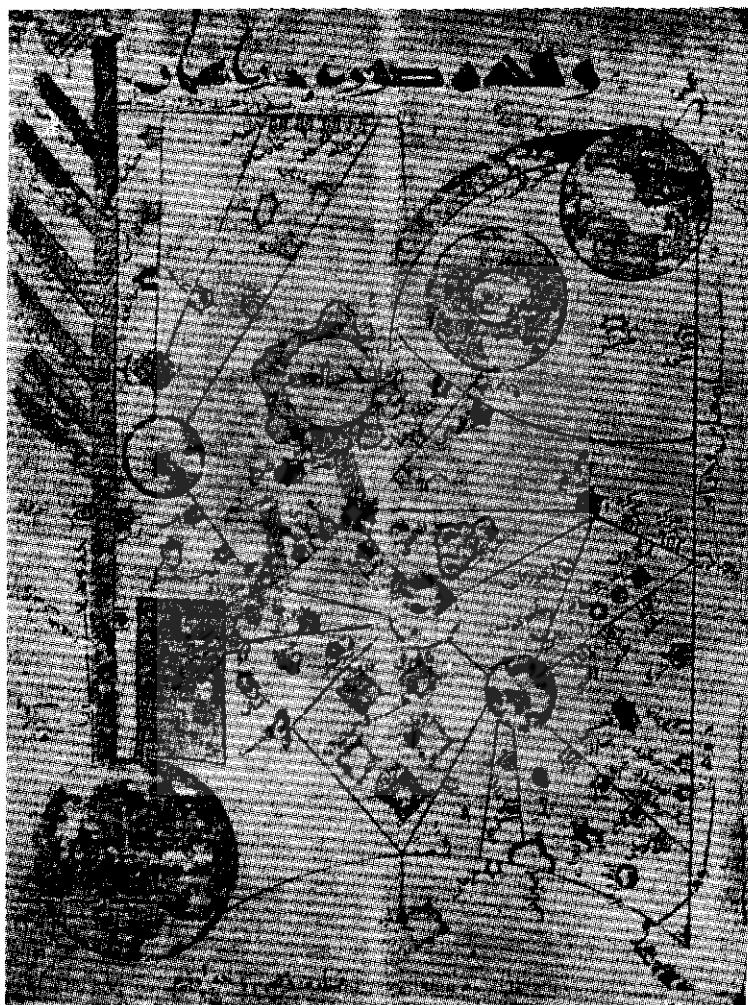
۲۲- رک: مدیر شانه‌چی - کاظم - حدود خراسان در طول تاریخ - اسفند ۱۳۴۷ - صفحه ۱۲۷.

۲۳- عرفان - محمود - جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی - تألیف لسترنج چاپ دوم - صفحه ۴۰۸.

۲۴- کیهان - مسعود - جغرافیای مفصل ایران - صفحه ۱۷۹.

۲۵- بدیعی - دکتر ربیع - جغرافیای مفصل ایران - جلد دوم - چاپ اول - سال ۱۳۶۲ - صفحه ۲۱۵.

۲۶- دهخدا - لغت‌نامه - عراق عجم - ایالت جبال را عراق عجم می‌نامیده‌اند تا با عراق عرب اشتباه نشود. ایالت جبال درای شهرهای بزرگی از قبیل کرمانشاه، همدان بود و در شمال خاوری آن ری و در جنوب خاوری اصفهان واقع بودند.



نقشه شماره ۳ - خراسان در قرن چهارم . نقل از: المسالك والممالك استطخري چاپ الجمهوريه .

همان طور که اشاره شد خط مرزی در شرق دریای خزر و شمال خراسان در ادوار گذشته رود جیحون بود اما پس از معاهده ترکمنچای و تسلط دولت روسیه به شهرهای سمرقند، بخارا، خیوه، خوقند، تاشکند، مرو، عشق آباد و بخشی از سرخس مرزهای خراسان به حد کنونی رسید. به موجب قرارداد سال ۱۸۸۱ میلادی (۱۲۹۹ هجری قمری) مرز ایران با شوروی در شمال شرقی کشور از خلیج حسینقلی در کنار دریای خزر تا دهانه ذوالفقار (نقطه مرزی مشترک ایران - شوروی و افغانستان) ممتد بوده که رودخانه اترک بین خلیج حسینقلی تا چات قسمتی از این مرز را تشکیل می دهد. این قرارداد مجدداً در سال ۱۸۹۳ میلادی (۱۳۱۰ هجری قمری) تغییراتی داده شد که بین ایران و روسیه مبادله گشت. در همان زمان دو بخش دیگر که گرچه جزء خراسان نبودند ولی بیشتر تحت حکومت والی خراسان اداره می شد از خراسان منفصل گردید از این دو بخش که ترکستان شوروی باشد بعداً دو جمهوری ازبکستان و تاجیکستان جماهیر شوروی تشکیل یافت. در دائرةالمعارف مصاحب می نویسد ایالت خراسان ایران در تشکیلات اداری اواخر دوره قاجاریه فقط کمتر از نیمی از ولایات خراسان قدیم را دربرداشته است و باقی این ولایت در افغانستان کنونی و خاک شوروی واقع است.^{۲۷}

تقسیمات کشوری در ایران تا قبل از مشروطیت معنی و مفهوم خاصی نداشت. پس از برقراری حکومت مشروطه بر اساس قوانین مصوبه نخست کشور به چهار ایالت و چندین ولایت تقسیم گردید در سال ۱۳۲۴ هجری قمری (۱۲۸۵ شمسی) خراسان یکی از چهار ایالت کشور بود.^{۲۸} از آن سال تا سال ۱۳۱۶ هجری شمسی ایران از حیث تقسیمات سیاسی به ۲۷ قسمت که از نظر وسعت، جمعیت و آب و هوا بایکدیگر متناسب نبودند تقسیم شده

۲۷- رک: مدیر شانه چی - کاظم - حدود خراسان در طول تاریخ - اسفند ۱۳۴۷ -

صفحه ۱۳۵ .

۲۸- چهار ایالت کشور عبارت بودند از: آذربایجان، کرمان و بلوچستان، فارس و بندر، خراسان و سیستان .

۱- ولایت مشهد، مرکز آن شهر مشهد بود و شامل بلوک گلماکان، جاغرق، شاندیز، اردمه، چناران، رادکان، بیزکی، میان ولایت، تبادکان، درز آب و چولائی خانه، پائین ولایت، پیوهژن و سرجام

۲- ولایت سرخس، نیز مرکز ولایت بوده و مرکز آن شهر سرخس ناصری می باشد

۳- ولایت دره گز شامل بلوک درگز، چاپشلو، نوخندان، میانکوه، لطف آباد و کلات که کلات نیز دارای دو بلوک است (بلوک کلات و بلوک پساکوه).

۴- ولایت قوچان، شامل بلوک سرو ولایت که مرکز آن قوچان، میان ولایت و شیروان که مرکز آن شهر شیروان است.

۵- ولایت بجنورد شامل بلوک حومه شهر، مرکز آن شهر بجنورد چناران، گرمخان، مانه، سملقان، کسبایر، شوقان، سنخواست، جاجرم و میان آباد.

۶- ولایت نیشابور شامل بلوک ریوند، عشق آباد، تحت جلگه ماروس، بسار معدن، طاغنکوه، اربقایی، دربقاضی، ماذول، اردوغش، زبرخان، اسحق آباد و سرو ولایت.

گروه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۷- ولایت جوین.

۸- ولایت سبزوار شامل بلوک قصبه (مرکز شهر سبزوار) خمسه کوه میش، گاه باشتین، مزینان، براكوه، کراب، طبس، تکاب، شامکان، ربع شامات، جوین، بام و صفی آباد.

۹- ولایت اسفراین شامل بلوک بالا ولایت (مرکز آن اسفراین) میان ولایت، پایین ولایت.

۱۰- ولایت جام شامل بلوک جام (مرکز جام)، بالاجام، پایین جام.

۱۱- ولایت باخرز و خواف شامل بلوک پایین، ولایت باخرز، میان ولایت باخرز، پایین خواف، جلگه خواف و بالاخواف.

- ۱۲- ولایت تربت حیدری شامل بلوک حومه، بالا ولایت، پایین ولایت، بایگ - زاوه، رشتخوار، محولات، ازغند، بالا رخ، پائین رخ .
- ۱۳- ولایت ترشیز شامل بلوک کوه سرخ، رستاق، بالا ولایت، شش طراز و برکال، کنار شهر، کوهپایه .
- ۱۴- ولایت فردوس و گلشن (تون و فردوس) شامل بلوک طبس، تون، بشرویه، گناباد و حلوان .
- ۱۵- ولایت قائنات شامل بلوک بیرجند و قائن .
- ۱۶- ولایت شاهرود شامل بلوک زیراستاق، پشت بسطام، بسطام، کلاتها، میامی، و سرحدات فرومد، بیارجمند، قراء اربعه .
- ۱۷- ولایت سمنان و دامغان شامل بلوک علاء، سنگسر، سرخه، حومه شهر دامغان، قهاب رستاق، قهاب صرصر، بلوک قویه دروار، بلوک رودبار، بلوک دامن کوه .
- ۱۸- ولایت سیستان شامل بلوک سیستان، میان کنگی، ناروئی، شیب آب و شهرکی^{۲۹} .
- در سال ۱۳۱۶ قانونی بنام قانون تقسیمات کشوری تصویب شد^{۳۰}. مطابق این قانون تقسیمات کشوری به پنج درجه بنام استان، شهرستان، بخش، دهستان و قریه درآمد که حاکم این واحدها بنام استاندار، فرماندار، بخشدار، دهدار و کدخدا نامیده می شدند که براساس همین قانون برای کشور ۱۰ استان و ۴۹ شهرستان پیش بینی گردید . تعیین محدوده بخشها و دهستانها و تابعیت آنها به عهده وزارت کشور محول شد. مجدداً در همین سال قانونی از مجلس گذشت و خراسان یکی از استانهای کشور

۲۹- کیهان - مسعود - جغرافیای مفصل ایران - صفحه ۱۸۳ .

۳۰- قانون تقسیمات کشوری و وظایف فرمانداران و بخشداران مصوب ۱۶ آبانماه ۱۳۱۶- ماده یک کشور ایران مطابق نقشه و صورت ضمیمه به ده استان و چهل و نه شهرستان تقسیم می شود. هراستان مرکب از چند شهرستان و هر شهرستان مرکب از چند بخش و هر بخش مرکب از چند دهستان و هر دهستان مرکب از چند قصبه و ده خواهد بود .

محسوب شد و بنام خراسان نامگذاری گردید. مرکز آن مشهد و دارای ۷ شهرستان بنامهای سبزوار، بیرجند، تربت حیدریه، مشهد، قوچان، بجنورد و گناباد شد.^{۳۱}

در سال ۱۳۲۹ استان خراسان دارای ۱۱ شهرستان، ۴۵ بخشداری و ۱۸۰ دهستان و ۶۴۱۳ آبادی بود.^{۳۲}

۱- شهرستان بجنورد دارای بخشهای حومه شهر، اسفراین و مانه و ۱۲ دهستان .

۲- شهرستان بیرجند دارای بخشهای حومه، درمیان، خوسف، شوسف و قابن و ۱۶ دهستان .

۳- شهرستان تربت حیدریه دارای بخشهای حومه، فیض آباد و محولات، رشتخوار، کدکن و خواف و ۱۵ دهستان .

۴- شهرستان دره گز دارای بخشهای حومه، نوخندان، چاپشلو، لطف آباد و کلات و ۱۲ دهستان .

۵- شهرستان سبزوار دارای بخشهای حومه، صفی آباد، جغتای، ششمد، داورزن و ۲۳ دهستان .

۶- شهرستان فردوس دارای بخشهای حومه، بشرویه، طبس و ۲۱ دهستان .

۷- شهرستان قوچان دارای بخشهای حومه، شیروان ، باجگیران و ۲۳ دهستان .

۸- شهرستان کاشمر دارای بخشهای حومه، ریوش، خلیل آباد، بردسکن و ۹ دهستان .

۹- شهرستان گناباد دارای بخشهای جویمند حومه، بجستان و ۶ دهستان

۱۰- شهرستان مشهد دارای بخشهای حومه و ارداک، طرqbه، فریمان،

۳۱- قانون تقسیمات کشوری و وظایف فرمانداران و بخشداران مصوب ۱۶ آبانماه ۱۳۱۶ - ماده دو - استان نهم که تشکیل می شود از شهرستانهای، بیرجند، تربت حیدریه ، مشهد، قوچان، بجنورد، گناباد ، سبزوار .

۳۲- رزم آرا، فرهنگ جغرافیایی ایران، جلد نهم - واحدهای اداری استان نهم .

تربت جام، جنت آباد، سرخس، طیبات و ۲۹ دهستان .
۱۱- شهرستان نیشابور دارای بخشهای حومه و فدیشه، سروایت،
قدمگاه، و ۱۳ دهستان (نقشه شماره ۵).

در نقشه تقسیمات کشوری سال ۱۳۳۵ استان خراسان دارای ۱۲
شهرستان بنامهای مشهد، قوچان، بجنورد، نیشابور، سبزوار، تربت جام،
تربت حیدریه، کاشمر، گناباد، فردوس، طبس و بیرجند است.^{۳۳} (نقشه
شماره ۶).

در سال ۱۳۳۹ بر اساس ماده قانونی که از تصویب مجلس گذشت^{۳۴} مقرر
شد استانها به اسامی اصلی و تاریخی خود خوانده شوند. در ماده ۱۲ همین
قانون نیز یک نوع تقسیمات جدیدی بنام فرمانداری کل نیز بوجود آمد که
کشور شامل ۱۴ استان و ۶ فرمانداری کل گردید. در این زمان استان
خراسان دارای ۱۵ شهرستان و ۲۵ بخشداری شد.^{۳۵}
(نقشه شماره ۷).

۱- شهرستان مشهد دارای بخشهای حومه، فریمان، طرقله، چناران،
احمدآباد، سرخس.

۲- « تربت جام » « حومه، باخرز، (تایباد)، زورآباد
(جنت آباد).

۳- « گناباد » « حومه، بجستان.

۴- « بیرجند » « حومه، درمیان، قاینات، خوسف،

نهبندان

۵- « کاشمر » « حومه، کوهسرخ (ریوش) خلیل

آباد، بردسکن.

۳۳- سرشماری سال ۱۳۳۵ - چاپ آبان ماه سال ۱۳۴۰.

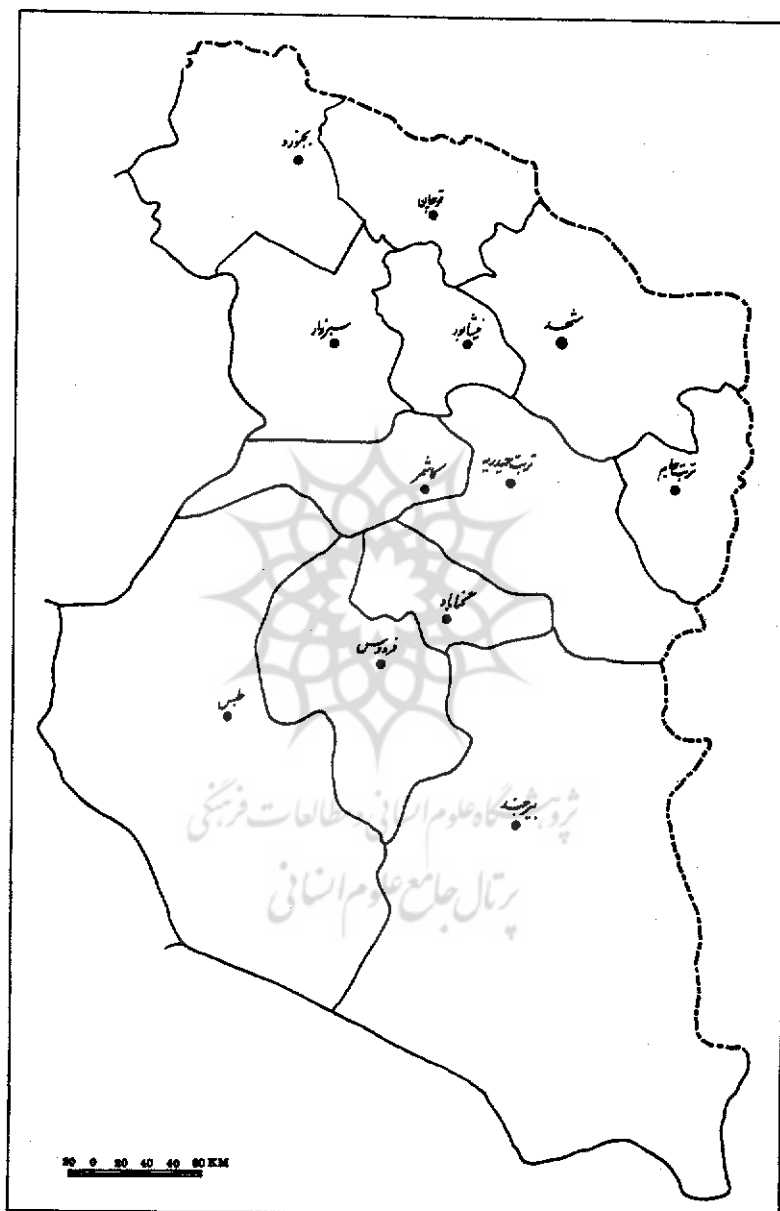
۳۴- قانون راجع به وظایف و اختیارات استانداران - مصوب ۲۱ اردیبهشت سال ۱۳۳۹
ماده ۱۳ - از تاریخ اجرای این قانون استانها به اسامی اصلی خود نامیده می شوند و دولت
مکلف است با توجه به سوابق تاریخی نام استانها و حوزه آن را تعیین و اعلام نماید.

۳۵- ایرانشهر - نشریه شماره ۲۲ - جلد دوم سال ۱۳۴۳ - صفحه ۱۰۴۴.



نقشه شماره ۵- استان خراسان به تفکیک شهرستان در سال ۱۳۲۹ .

تقسيمات كشوري ۱۶۷



نقشه شماره ۶- استان خراسان به تفکیک شهرستان سال ۱۳۳۵ .

- ۶- شهرستان قوچان دارای بخشهای حومه، باجگیران.
- ۷- شهرستان شیروان دارای بخش حومه.
- ۸- شهرستان سبزوار دارای بخشهای حومه، جغتای، داورزن، ششتمد.
- ۹- شهرستان تربت حیدریه دارای بخشهای حومه، کدکن، فیض آباد، خواف، رشتنخوار.
- ۱۰- شهرستان نیشابور دارای بخشهای حومه، تحت جلگه، زیرخان، سروایت.
- ۱۱- شهرستان درگز دارای بخشهای حومه، نوخندان، لطف آباد، کلات، چاشلو.
- ۱۲- شهرستان اسفراین دارای بخشهای (میان آباد) حومه، بام و صفی آباد.
- ۱۳- شهرستان فردوس دارای بخشهای حومه، بشرویه و سرایان.
- ۱۴- شهرستان طبس دارای بخشهای حومه، دستگردان.
- ۱۵- شهرستان بجنورد دارای بخشهای حومه، جاجرم، جرگلان، مانه.

از سال ۱۳۳۹ تا سال ۱۳۵۴ تغییراتی در محدوده بخشها و شهرستانهای خراسان حاصل نشد (در سال ۱۳۴۵ بخش کلات از شهرستان درگز منتزع و به شهرستان مشهد ملحق می‌گردد)^{۲۰}. تا این که بر اساس مصوبه شماره ۶۷۳۶۸-۲۹/۱۰/۵۴ هیأت وزیران بخش باخرز از شهرستان تربت جام منتزع و تبدیل به فرمانداری باخرز گردید. مجدداً در مصوبه شماره ۳۷۲۰-۲۶/۳/۵۹ شهرستان باخرز بنام شهرستان تایباد تغییر نام یافت. همچنین به موجب مصوبه شماره ۲۴۶۱-۲۷/۱۱/۵۸ شورای انقلاب اسلامی بخش قاینات از شهرستان بیرجند منتزع و تبدیل به فرمانداری شد و بنام فرمانداری قاینات نامگذاری گردید. (نقشه شماره ۸).

رسال ۱۳۵۹ به موجب تصویبنامه شماره ۲۹۶۴-۲/۴/۵۹ هیأت

وزیران در محدوده دهستان بایگ شهرستان تربت حیدریه بخش بایگ تاسیس شد. بدین ترتیب تا پایان سال ۱۳۵۹ استان خراسان دارای ۱۷ شهرستان، ۵۳ بخش و ۲۱۰ دهستان گردید. در این زمان واحدهای دهستانی صرفاً محدوده‌های تعیین شده‌ای بودند که فاقد مسئول اداری بوده و در فعالیتهایی نظیر سرشماری و یا برنامه‌ریزی عمرانی ملاک عمل قرار می‌گرفتند.

تقسیمات کشوری استان خراسان تا پایان سال ۱۳۶۴ و قبل از اجرای قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری به شرح زیر بوده است. (نقشه شماره ۹).

- ۱- شهرستان اسفراین دارای بخشهای بام و صفی‌آباد (دهستان بام، صفی‌آباد) مرکزی (دهستانهای حومه، روئین، زرق‌آباد، فرطان و میلانلو).
- ۲- شهرستان بجنورد دارای بخشهای جاجرم (دهستانهای جاجرم، سنخواست، شقان و میان‌کوهساران) راز و جرگلان (دهستان جرگلان، حصارچه، گیغان و نخورلی) مانه و سملقان (دهستان سملقان و مانه) و مرکزی (دهستان چناران، حومه، کسبایر و گرمخان).
- ۳- شهرستان بیرجند دارای بخشهای خوسف (دهستان براكوه، خوسف قیس‌آباد) درمیان (دهستان درح، شاخنات، درمیان، طبس‌مسینا، معروفان و مومن‌آباد) مرکزی (دهستان القور، شهاباد، نهارجان) و نهبندان (دهستان برك، بصیران، بندان، چاهان، شوسف، عربخانه، میغان و نه).
- ۴- شهرستان تایباد دارای بخش مرکزی (دهستانهای بالاولایت و پائین ولایت و میان‌ولایت).
- ۵- شهرستان تربت‌جام دارای بخشهای جنت‌آباد (دهستان جنت‌آباد، صالح‌آباد و قلعه‌حمام) و مرکزی (دهستان بالا‌جام، پائین‌جام و میان‌جام).
- ۶- شهرستان تربت‌حیدریه دارای بخشهای بایگ (دهستان بایگ) خواف (دهستان بالا‌خواف، پائین‌خواف، جلگه زوزن و میان‌خواف)

رشتخوار (دهستان رشتخوار و سنگان) فیض آباد و مهولات (دهستان ازغند و مهولات) کدکن (دهستان بالا رخ، پائین رخ، رخ، کدکن و میان رخ) و مرکزی (دهستان بالا ولایت، پائین ولایت و زاوه).

۷- شهرستان درگز دارای بخشهای چاپشلو (دهستان قره باشلو، میانکوه) لطف آباد (دهستان قلعه حاتم، لطف آباد) مرکزی (دهستان صید آباد و گلخندان) نوخندان (دهستان تکاب، درونگر، کلاته چنار و نوخندان).

۸- شهرستان سبزوار دارای بخشهای جغتای (دهستان بالا جوین، پائین جوین، پیراکوه، جغتای، حکم آباد، میان جوین) داورزن (دهستان باشتین، گاه، مزینان) ششتمد (دهستان تکاب، کوه میش، خواشد، ربع شامات، زمیج، شامکان، فروغن، کوه همایی) مرکزی (دهستان سلطان آباد، طبس، قصبه جنوبی، قصبه شرقی، قصبه شمالی، قصبه غربی و کراب).
۹- شهرستان شیروان دارای بخش مرکزی (دهستان تکمران، حومه، دوین، زوارم، زیارت، شیخ امیرانلو، قلجق و گلپان).

۱۰- شهرستان طبس دارای بخشهای دستگردان (دهستان دستگردان، ده محمد و کوه یخاب) مرکزی (دهستان اصفهک، جوخواه، حلوان، حومه، دیهوک و کریت).

۱۱- شهرستان فردوس دارای بخشهای بشرویه (دهستان ارسک، اصفاک، بشرویه، رقه - طرجد، غنی آباد، فتح آباد، کرند، نیگنان و هنویه) سرایان (دهستان آیسک، سرایان، سه قلعه و مصعبی) و مرکزی (دهستان برون، خانکوک مهوید و حومه).

۱۲- شهرستان قاینات دارای بخش مرکزی (دهستان پسکوه، حومه، زهان، شاهرخت، فندخت، گرننگ، گزخت و نیم بلوک).

۱۳- شهرستان فوجان دارای بخشهای باجگیران (دهستان اوغاز، بیجرانلو، جیرستان و قوشخانه) و مرکزی (دهستان جعفر آباد سفلی جعفر آباد علیا، چری، خرق، دوغائی، دولتخانه، شهر کهنه، شیرغان، فاروج

کهنه فرود، مایوان، ومزرچ) .

۱۴- شهرستان کاشمر دارای بخشهای بردسکن (دهستان کنارشهر و کوهپایه) خلیل آباد (دهستان برکال، رستاق و ششتراز) کوهسرخ (دهستان برکوه و نکاب) و مرکزی (دهستان بالا ولایت) .

۱۵- شهرستان گناباد دارای بخشهای بجستان (دهستان بجستان، جزین و یونسی) و مرکزی (دهستان بیدخت، حومه، دولوئی، زبید و کاخک) .

۱۶- شهرستان مشهد دارای بخشهای احمدآباد (دهستان پائین ولایت، پیوهژن و سرجام) چناران (دهستان بیزکی، چناران، چولائی خانه، درزآب و رادکان) سرخس (دهستان سرخس، قلعه قصاب، کندکلی، مزدوران) طرهبه (دهستان اردمه، شاندیز، طرهبه و گلمکان) فریمان (دهستان فریمان) کلات (دهستان پساکوه، زاوین، کبودگنبد، لائینو) و مرکزی (دهستان تبادکان و میان ولایت) .

۱۷- شهرستان نیشابور دارای بخشهای تحت جلگه (دهستان تحت جلگه، طاغنکوه و عشق آباد) زبرخان (دهستان اردوغش، اسحق آباد و زبرخان) سرولایت (دهستان اربقایی، بارمعدن، سرولایت و ماروسک) و مرکزی (دهستان دربقاضی، ریوند و مازول) .

از این سال به بعد تغییرات عمده تقسیماتی در استان خراسان بوجود نیامد تا این که قانون جدید تقسیمات کشوری مشتمل بر هیجده ماده و بیست و دو تبصره در جلسه روز چهارشنبه پانزدهم تیر ماه یکهزار و سیصد و شصت و دو مجلس شورای اسلامی و آئین نامه اجرایی آن در سال ۱۳۶۳ شامل سی و شش ماده و ۲۷ تبصره از تصویب هیأت دولت گذشت و برای اجرا به وزارت کشور ابلاغ شد . در قانون مزبور هدف برقراری نظام مطلوب تقسیمات کشوری به منظور فراهم آوردن موجبات هماهنگی در فعالیتهای مختلف سازمانها و مؤسسات دولتی، محلی و نهادهای انقلاب اسلامی در جهت اجرای سیاست عمومی دولت جمهوری اسلامی ایران اعلام شده است . از ویژگیهای بارز قانون ایجاد واحدهای تقسیماتی از واحد کوچک به بزرگتر

می باشد. به این عبارت دهستان کوچکترین واحد تقسیماتی کشور است و از مجموع چند دهستان يك بخش و از چند بخش يك شهرستان و از چند شهرستان همجوار و همگن يك استان تشکیل می گردد. در ایجاد این واحدهای تقسیماتی شاخص های طبیعی از جمله حوضه آبریز، پستی و بلندی، آب و هوا، راههای ارتباطی با حفظ جهات سیاسی، اقتصادی، مسائل قومی و نژادی ملاک و ضابطه کار خواهد بود. برای آشنایی بیشتر ذیلا چند ماده از قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری ذکر می شود.

ماده ۱: عناصر تقسیمات کشوری عبارتند از روستا، دهستان، بخش، شهرستان و استان.

ماده ۲: روستا واحد مبدأ تقسیمات کشوری است که از لحاظ محیط زیستی (وضع طبیعی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) همگن بوده که با حوزه و قلمرو معین ثبتي یا عرفی مستقل که حداقل تعداد ۲۰ خانوار یا صد نفر اعم از متمرکز یا پراکنده در آنجا سکونت داشته باشند و اکثریت ساکنان آن بطور مستقیم یا غیر مستقیم به یکی از فعالیتهای کشاورزی، دامداری، باغداری بطور اعم و صنایع روستایی و صید و یا ترکیبی از این فعالیتهای اشتغال داشته باشند و در عرف بعنوان ده آبادی، دهکده یا قریه نامیده می شده است.

تبصره ۱- مزرعه نقطه جغرافیایی و محلی است کشاورزی که بنابه تعریف روستا نبوده و بدو شکل مستقل و تابع شناخته می شود.

تبصره ۲- مکان به نقطه ای اطلاق می شود که بنابه تعریف روستا نبوده و بیشتر محل انجام فعالیتهای غیر کشاورزی (کارخانه، ایستگاه، کارگاه، قهوه خانه و نظائر آنها) است که بدو شکل مستقل و تابع شناخته می شود.

تبصره ۳- مزرعه و مکان تابع در محدوده ثبتي یا عرفی روستای متبوع خود بوده و بطور کلی از لحاظ نظام تقسیمات کشوری جزو آن محسوب می شود.

تبصره ۴- مزرعه و مکان مستقل دارای محدوده ثبتي یا عرفی معین و

مستقل بوده و از لحاظ نظامات اداری زیر پوشش واحد تقسیماتی مربوطه حسب مورد می باشد .

ماده ۳- دهستان کوچکترین واحد تقسیمات کشوری است که دارای محدوده جغرافیایی معین بوده و از بهم پیوستن چند روستا، مکان، مزرعه همجوار تشکیل می شود که از لحاظ محیط طبیعی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی همگن بوده و امکان خدمات رسانی و برنامه ریزی درسیستم و شبکه واحدی را فراهم می نماید .

تبصره ۱- حداقل جمعیت دهستان بادر نظر گرفتن وضع پراکندگی و اقلیمی کشور به سه درجه تراکمی به شرح زیر تقسیم می شود .

الف - تراکم زیاد ۸۰۰۰ نفر .

ب - تراکم متوسط ۶۰۰۰ نفر .

ج - تراکم کم ۴۰۰۰ نفر .

تبصره ۲- دهستانهای موجود که از نظر وسعت، جمعیت و دسترسی دارای تراکم مطلوب بوده در قالب موجود باقی و آن تعداد از دهستانهایی که از این لحاظ نامتناسب می باشند از طریق تقسیم و یا ادغام تعدیل و به دهستانهای جدید تبدیل خواهند شد .

تبصره ۳- مرکز دهستان منحصراً روستایی از همان دهستان است که متناسبترین مرکز خدمات روستایی آن محدوده شناخته می شود .

ماده ۶- بخش واحدی است از تقسیمات کشوری که دارای محدوده جغرافیایی معین بوده و از بهم پیوستن چند دهستان همجوار مشتمل بر چندین مزرعه، مکان، روستا و احیاناً شهر که در آن عوامل طبیعی و اوضاع اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی واحد همگنی را به وجود می آورد بنحوی که بادر نظر گرفتن تناسب، وسعت، جمعیت، ارتباطات و دسترسی وسایر موقعیتهای، نیل به اهداف و برنامه ریزیهای دولت در جهت احیای امکانات طبیعی و استعدادهای اجتماعی و توسعه امور رفاهی و اقتصادی آن تسهیل گردد .

تبصره ۱- حداقل جمعیت محدوده هریخش بدون احتساب نقاط جمعیت شهری بادر نظر گرفتن وضع پراکندگی و اقلیمی کشور به دو درجه تراکمی به شرح زیر تقسیم شده است:

الف - مناطق با تراکم زیاد، سی هزار نفر.

ب - مناطق با تراکم متوسط، ۲۰ هزار نفر.

تبصره ۲- در نقاط کم تراکم، دورافتاده، مرزی، جزایری، جنگلی و کویری باتوجه به کلیه شرایط اقلیمی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تا حداقل دوازده هزار نفر جمعیت باتصویب هیأت وزراء و در موارد استثنایی با تصویب مجلس جمعیت بخش می تواند کمتر از میزان تعیین شده در تبصره يك باشد.

تبصره ۳- مرکز بخش، روستا یا شهری، از همان بخش است که مناسبترین کانون طبیعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی آن محدوده شناخته می شود.

ماده ۷- شهرستان واحدی از تقسیمات کشوری است بامحدوده جغرافیایی معین که از بهم پیوستن چند بخش همجوار که از نظر عوامل طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی واحد متناسب و همگنی را بوجود آورده اند.

تبصره ۱- حداقل جمعیت شهرستان بادر نظر گرفتن وضع پراکندگی و اقلیمی کشور به دو درجه تراکمی به شرح زیر تقسیم می شود.

الف - تراکم زیاد ۱۲۰۰۰۰ نفر.

ب - تراکم متوسط ۸۰۰۰۰ نفر.

تبصره ۲- در نقاط کم تراکم، دورافتاده، مرزی یا جزایری و کویری باتوجه به کلیه شرایط اقلیمی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، تا حداقل ۵۰ هزار نفر باتصویب هیأت وزیران و در موارد استثنایی باتصویب مجلس شورای اسلامی می تواند کمتر از ۵۰ هزار نفر باشد.

تبصره ۳- مرکز شهرستان یکی از شهرهای همان شهرستان است که

مناسبت‌ترین کانون طبیعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن محدوده شناخته می‌شود.

ماده ۹- استان واحدی از تقسیمات کشوری است با محدوده جغرافیایی معین که از بهم پیوستن چند شهرستان همجوار با توجه به موقعیتهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، و طبیعی تشکیل می‌شود.

تبصره ۱- وزارت کشور بنا به ضرورت می‌تواند با تصویب هیأت وزیران با انتزاع و الحاق روستاها، بخشها یا شهرستانهای مجاور، استانها را تعدیل نماید مگر آن که به تصویب مجلس شورای اسلامی ایجاد استان جدید ضروری شناخته شود. استان جدید باید حداقل یک میلیون نفر جمعیت داشته باشد.

تبصره ۲- مرکز استان یکی از شهرهای همان استان است که مناسب‌ترین کانون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، طبیعی و اجتماعی آن استان شناخته می‌شود.

اکنون که به پاره‌ای از مواد قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری آشنا شدیم در اجرای این قانون به نکات مهمی برمی‌خوریم. این قانون که شاید مهمترین طرح بنیادی و اساسی کشور باشد اگر دقیق به اجرا درآید طرحهای دیگری مثل برنامه ریزی و توسعه و تدوین نظام اداری جمهوری اسلامی بطور کامل و نهایی مقدور خواهد بود. پس از بررسی طرحهای ایجاد واحدهای تقسیمات کشوری در قبال از انقلاب اسلامی تا حدودی مشخص می‌شود در رژیم گذشته برای ایجاد واحدهای تقسیماتی مسائل سیاسی را بیشتر در نظر می‌گرفته‌اند ولی رفاه مردم و جنبه‌های فنی و عوارض طبیعی را چندان مورد نظر قرار نمی‌دادند. مشکلات عدیده تقسیمات کشوری فعلی را ناشی از این امر می‌توان دانست. بنابراین امروز با تمام توان باید کوشش نمائیم تا طرحی را در تقسیمات کشوری آماده کنیم که علاوه بر رعایت موارد سیاسی کلیه ابعاد فنی و عوارض طبیعی و مسائل اجتماعی را دقیقاً در تشکیل واحدهای تقسیمات کشوری مراعات کرده باشیم.

اجرای قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری و ایجاد واحدهای تقسیماتی بعنوان يك واحد جغرافیایی می تواند مورد توجه برنامه ریزان کشور نیز باشد. اگر در عمل و به منظور تشکیل يك دهستان بدنبال يك مجموعه همگن و جغرافیایی باشیم آن وقت هر گونه اتخاذ تصمیم در برنامه ریزی برای آن دهستان در محدوده روستاها و مزارع تابع قابل تعمیم خواهد بود. بهمین تعبیر در تشکیل بخشها که مجموعه ای از چند دهستان همگن و ایجاد شهرستان که از چند بخش همجوار و همگن تشکیل می شود يك خط مشی واحد برای توسعه قابلیت اجرایی پیدا خواهد کرد و برنامه ریزان می توانند با توجه ای عمیق به مسائل گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن بر حسب قابلیت ها برنامه ای برای توسعه آینده آن محدوده ترسیم نمایند.

برنامه ریزان و مجریان دولتی نیز باید از فرصتی که پیش آمده استفاده کنند و بارعایت این محدوده ها که در تشکیل آنها معیار و ضابطه ای قانونی مؤثر بوده خود را هماهنگ کرده و فعالیتهای خود را دقیقاً با محدوده های تعیین شده تطبیق نمایند.

گاهی در استان خراسان به محدوده ای از بخش یا شهرستان برخورد می شود که امور نظام وظیفه آن بخش مربوط به بخشی دیگر و آموزش و پرورش منطقه ای دیگر و مسائل بانک کشاورزی آن در حوزه فرمانداری شهرستان دیگر و دور از محل سکونت ساکنین حل و فصل می شود. با اجرای ماده ۱۴ این قانون می توان امید داشت که در آینده ای نزدیک حوزه فعالیتهای اداری با محدوده های تقسیمات کشوری انطباق یافته و این مشکل مرتفع گردد. در ماده ۱۴ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری رعایت محدوده های تقسیمات کشوری برای کلیه وزارتخانه ها و سازمانها و نهادهای انقلاب اسلامی لازم الاجرا ذکر شده، مسؤولان ذیربط ادارات باید توجه داشته باشند که برای حل مشکلات و معضلات اداری مردم در رفع عدم تطبیق حوزه های عملکرد واحدهای اداری خود رعایت این اصل را مورد

دقت قرار دهند و اجرای آنرا ضروری تلقی نمایند. بایجاد دهستانها و راه اندازی دهمداریها سایر سازمانهای دولتی نیز باید واحدهای اداری متناسب با امکانات مالی، فنی و نیروی انسانی خود در مرکز دهستان ایجاد نمایند. این امر موجب سرعت بخشیدن به کارها و امور اداری مردم آن محدوده خواهد شد.

در قانونی که در دست داریم نسبت به قوانین گذشته تقسیمات کشوری واحد جدیدی بر قاعده تقسیمات کشوری بنام دهستان تشریح شده است. لذا در این قانون صراحتاً ذکر می شود که بالاترین واحد تقسیمات کشوری استان و کوچکترین واحد اداری و تشکیلاتی و تقسیمات کشوری دهستان است. بنابراین برای اولین بار دولت جمهوری اسلامی فرصت پیدا می کند که در سطح دهستان نماینده عالی بگمارد و امور دهستان را همانند سایر واحدهای تقسیماتی هماهنگ و فعال سازد.

بانگرس به اینکه دهمداریها یک واحد جدید سازمانی می باشند از طرف سازمان امور اداری و استخدامی کشور یک پست سازمانی نیز در نظر گرفته شده که متناسب با نیاز این محدوده ها نخواهند بود. چون دهمدار با ساکنین روستاها، مزارع و مکانهای واقع در دهستان محل کار خود تماس مستمر و مستقیم خواهد داشت و در حل مشکلات و معضلات مسؤول می باشد می تواند نقش بسیار حساسی در ارتباط مردم با مسؤولان رده بالاتر داشته باشد لذا برای این واحدها نیز باید دوفنر کارمند در نظر گرفته تا دهمداران بتوانند با فراغت خاطر و توان بیشتر در ارائه خدمات به ساکنین آن محدوده توفیق یابند. با تأسیس دهمداریها و اعمال سیاست دولت مبنی بر کمک هر چه بیشتر به روستائیان این منظور حاصل خواهد شد. دهمدار فردی مسؤول و از نظر اداری بسیار قوی خواهد بود و اختیارات استاندار را در دهستان دارد. به عبارت دیگر اگر استاندار مسؤول امنیت استان می باشد دهمدار مسؤول امنیت دهستان خواهد بود.

همانطور که قبلاً ذکر شد یک بخش از مجموع چند دهستان همجوار و همگن تشکیل می گردد لذا در یک بخش وظایف بخشداری به واحدهای

کوچکتر تقسیم شده و دهداران در کلیه زمینه‌ها بخشدار را در انجام امور محوله در محدوده هر دهستان کمک خواهند کرد و بخشداران نیز در اداره امور یک شهرستان فرماندار را و فرمانداران یک استان استاندار را در انجام امور استان مساعدت خواهند کرد. لذا شرح وظایف دهداران بنوعی باید باشد که همان شرح وظایف استانداران بوده ولیکن در محدوده کوچکی بنام دهستان قابلیت اجرایی داشته باشد.

در اجرای قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری در استان به مراکز جمعیتی نسبتاً بزرگی برخورد شد که تقاضای ایجاد بخش و یا شهرداری را داشتند. این نکته بسیار مهم و حیاتی است که مگر مراکز جمعیتی روستایی آباد نیستند که تقاضای بخش شدن و ایجاد شهرداری را در محل زندگانی خود دارند. تقاضای تبدیل دهستان به بخش و شهرستان بنا بر تجربه‌ای که از گذشته بدست آمده است فقط برای یک جهش به سمت شهرنشینی و یک پرش به سمت مصرف و یک فرار از تولید روستایی نیست بلکه این تقاضاها حاکی از این است که رژیم گذشته تأثیر منفی روی اذهان و روان مردم گذاشته بطوری که راه پیشرفت را فقط از دریچه مرکز بخش شدن و شهر شدن روستای خود می‌بیند. از اینجا اهمیت تقسیمات کشوری و فعالیت‌هایی که لازم است انجام گیرد مشخص می‌شود. به نظر می‌رسد قانونی که از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشته می‌تواند با اجرای صحیح آن روستاها را مستحکم و آباد نگهدارد و تاحدی مهاجرت‌ها را متوقف کرده و جلوی رشد بی‌رویه شهرها را بگیرد و از همه مهمتر عملاً نشان دهد که روستاها با حفظ فرهنگ و نام خود روبه‌عمران و آبادانی خواهند گذاشت و خدمات رفاهی در همان قالب به‌اهالی ساکن روستاها خواهد رسید. مردم نیز باید باور نمایند که با شهر شدن محل سکونتشان آسایش بیشتری کسب نخواهند کرد. بلکه در قالب روستا و دهستان راحت‌تر و بهتر زندگی خواهند نمود.

هر چند در قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری در تعیین یک نقطه شهری ملاک و ضابطه‌ای مشخص شده است ولیکن عمده‌ترین معیار آنرا

سکونت بیش از ده هزار نفر در آن محل دانسته است. باتصویب این ماده قانونی نیز می توان گفت که تعداد زیادی از روستاها که جمعیتی کمتر از این میزان دارند و دارای بافت ساختمانی روستایی هستند نمی توانند متقاضی تأسیس شهرداری در محل سکونت خویش باشند درحالیکه با انتخاب این روستا بعنوان مرکز دهستان تاحدی می تواند از عطش ایجاد شهرداری در آن محل کاست و در این کوشش نیز نه تنها در تغییر نوع معیشت و بافت روستایی آن محل تأثیر سوئی گذاشته نخواهد شد، بلکه با استقرار دهداری و سازمانها و اداراتی که مستقیماً خدماتی به روستائیان ارائه می نمایند این نقطه بصورت يك كانون خدمات روستائی برای آن محدوده درمی آید.

باتوجه به مطالعاتی که در سطح روستا و مناطق روستایی استان بعمل آمده می توان گفت که مردم روستاها تمایل دارند روستای آنها تبدیل به شهر و یا يك كانون اداری بعنوان مرکز بخش و ساکنین مراکز بخشها تقاضای تأسیس فرمانداری و مردم بعضی از شهرستانها ایجاد يك استان و تأسیس استانداری را در مرکز فرمانداری شهرستان محل سکونت خود دارند. بخوبی می دانیم ایجاد این قبیل واحدهای جدید علاوه بر نیاز به نیروی کار ماهر و آموزشهای لازم تخصصی در کلیه ابعاد اداری هزینه های بسیار زیاد برای کشور در بر خواهند داشت. در صورتی که باراماندازی دهداریها و یا احتمالاً واحدهای جدید بخشداری اگر نتوان به نیاز واقعی مردم پاسخگو بود و یا این واحدها متناسب با رشد فعالیتهای کشاورزی و اقتصادی نباشند این فرصت همواره فراهم خواهد بود که مجدداً کارشناسان تقسیمات کشوری آن محدوده را مجدداً مورد مطالعه قرار داده و براساس ضوابط و ملاکهای قانونی نسبت به الحاق و انتزاع روستاها و یا ایجاد واحدهای جدید تقسیماتی اقدام کنند.

در سال ۱۳۶۳ بایگیری مسؤولان استانداری خراسان گروه تقسیمات کشوری با چهار نفر کارشناس (سه نفر لیسانس جغرافیا و يك نفر لیسانس علوم اجتماعی) در این استان شکل یافت و این گروه رسماً کار خود را آغاز

نمود. بعداً مقرر شد برای آشنایی با قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری و نحوه اجرایی آن سمیناری با حضور کارشناسان تقسیمات کشوری، استانداردها و جهادسازندگی سراسر کشور در مشهد برگزار گردد که نهایتاً در مدت ۲۰ روز و با حضور ۸۰ نفر از کارشناسان و صاحب نظران در امر تقسیمات کشوری اولین مرحله آزمایش روش اجرای قانون مزبور در سطح شهرستان مشهد به مورد اجرا گذاشته شد که نتایج به دست آمده و گزارشهای تدوین شده توسط گروه تقسیمات کشوری استانداری راه تسریع در اجرای قانون را در سطح کشور گشود. در مطالعات انجام شده شهرستان مشهد دارای ۳۲ دهستان گردید که در سال ۱۳۶۵ با بازنگری و کارشناسی مجدد محدوده‌های آن از تصویب هیأت محترم دولت گذشت. بدنبال کسب تجربه و بهره‌گیری از اجرای قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری در شهرستان مشهد و همچنین همکاری گروه تقسیمات کشوری استانداری خراسان برای اجرای قانون مزبور در شهرستانهای چابهار، میناب و بندرلنگه بر اساس یک برنامه زمان‌بندی شده و برابر مقررات و قوانین مربوطه کار مطالعاتی و پیشنهادی اجرای ماده ۳ در سراسر استان خراسان به مورد اجرا گذاشته شد. ابتدا ابزار کار مورد نیاز (نقشه‌های توپوگرافی، سیاسی اجتماعی، فهرست آبادیهای استان، آمار و اطلاعات و امکانات موجود رفاهی در روستاها و اماکن جغرافیایی) تهیه و با تشکیل جلسات مشترک با اعضای کمیته برنامه‌ریزی استان، مدیران کل، فرمانداران، بخشداران، ائمه جمعه و بالاخره کلیه دست‌اندرکاران امور روستایی اجرای این قانون به اطلاع رسید و برای اجرای بهتر و دقیق‌تر از آنان طلب همکاری و مساعدت شد.

بعد از مطالعه دهستانهای موجود در تطبیق آن با موارد قانونی تعیین یک محدوده جغرافیایی بر اساس نقشه‌های توپوگرافی برای تشکیل دهستان آغاز شد. سپس کلیه نظرات، پیشنهادها، درخواستها در خصوص الحاق و انتزاع و نامگذاری روستاها یا بخشها با مراجعه به بایگانی استانداری و

مسئولین محلی جمع‌آوری و سپس محدوده دهستان با توجه به پارامترهای جمعیتی بر روی نقشه مشخص گردید. آن‌گاه گروه تقسیمات کشوری با عزیمت به فرمانداری هر شهرستان و تشکیل جلسه‌ای با حضور فرماندار، بخشداران، امام‌جمعه، شهردار، مسؤولان ادارات و نهادهای جهادسازندگی، کشاورزی، سازمان تعاون روستایی، بهداشت محیط و بهداشتی، آموزش و پرورش، ثبت احوال، راه و ترابری و نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی مطالعات انجام شده توسط گروه مطرح و پیشنهادهای حاضرین در این موارد گرفته می‌شد.

اجرای عملیات صحرائی و مشاهده محل از مهمترین بخش کار تشکیل دهستانها بود. به منظور دستیابی به یک مجموعه همگن بر اساس محدوده پیش بینی شده اجرای عملیات صحرائی و بررسی اوضاع طبیعی، جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و رعایت سایر معیارهای قانونی مستلزم پیمودن راههای روستایی، بازدید محلی و مذاکره و نظرخواهی از اعضای شورایهای اسلامی روستاها و اهالی مناطق بود. تطبیق نتایج به دست آمده از طرح پیشنهادی گروه و رعایت نظرات و پیشنهادهای مسؤولان، معتمدین محلی و عملیات صحرائی و مشاهدات عینی و دستیابی به یک محدوده جغرافیایی همگن و جمع‌بندی گزارشها، اطلاعات و مشاهدات مراحل بعدی اجرای ماده ۳ قانون بودند. در تعیین محدوده دهستانها سعی بر این بود که شاخصهای طبیعی از جمله حوضه آبریز، پستی و بلندی، آب‌وهوا و جمعیت ساکن در آن محدوده مورد توجه و دقت قرار گیرند. بنابراین اجرای طرح مطالعاتی ماده ۳ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری در شهرستانهای استان خراسان که در نیمه دوم تیرماه سال ۱۳۶۵ شروع شده بود با انجام ۱۵۵ روز مأموریت و پیمایش ۳۵۴۰۰ کیلومتر راه روستایی با تشکیل ۲۱۲ دهستان و تابعیت دادن به ۱۸ هزار آبادی (شامل مزرعه، مکان، روستا بر اساس آمارگیری روستایی جهادسازندگی - آبانماه سال ۱۳۶۰) در ۱۷ فرمانداری تابعه در وسعتی معادل یک پنجم کل کشور که شامل ۸/۷٪

فرمانداریها و ۶/۱۰٪ بخشداریها بود با تنظیم گزارشهای دهستانی و شرح مختصری از جغرافیای شهرستانهای استان در نیمه اول بهمن ماه همان سال به پایان رسید.

مرحله دوم، اجرای قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری (اجرای مواد ۴، ۶ و ۷ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری، ایجاد شهر، بخش و شهرستان) استان در نیمه دوم شهریورماه سال ۶۶ شروع شد در این بخش از فعالیتها با مطالعه همه جانبه و با حفظ جهات طبیعی، سیاسی، اجتماعی و راههای ارتباطی به دهستانهای تشکیل شده تابعیت بخشی و شهرستانی داده شد. این مرحله از کار در آذرماه سال ۱۳۶۶ پایان یافت و گزارشهای تهیه شده برای پیگیری موارد قانونی به وزارت کشور تقدیم شد. مطالعات انجام شده از دهستانها (همراه با فهرست آبادیها) بخشها و شهرستانهای استان طی گزارشهای جداگانه ای مدون شد که در محل کار گروه تقسیمات کشوری می تواند مورد استفاده علاقه مندان به جغرافیای استان باشد.

از آنجا که حوزه های انتخابیه مجلس شورای اسلامی با محدوده های تقسیمات کشوری انطباق دارد و خوشبختانه تاکنون محدوده دهستانی شهرستانهای استان از تصویب هیأت محترم دولت گذشته و برای اجرا به سازمانها و ادارات دولتی ابلاغ گردیده مجریان انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی، فرمانداران، بخشداران و همچنین مسؤولان محلی فرصت خواهند داشت تا به نارسائیهایی که در محدوده واحدهای دهستانی برخورد می نمایند آنها را به گروه تقسیمات کشوری استانداری اعلام نموده و پیگیر رفع معایب موجود آن باشند.

امید می رود در جهت اجرای سیاست عمومی دولت جمهوری اسلامی ایران و رفاه آسایش اهالی و همچنین رفع مشکلات در خصوص تابعیتها با تصویب و اجرای محدوده های جدید گام مؤثری در این زمینه برداشته باشیم.